

دختر خاله همزیم ای وقت تو خوشی که وقت ما کردی خوشی. چندی قبل دستخط ز بیایا نرا زیارت نمودم و از مطالب آن  
 و امروز روزی تان مطلع و سرور شدیم الحمد لله به خدمات ارزنده و آموزنده کافی السابق مشغول و مبرورید. در جواب مرقوم  
 شریف حضرت وار منگارد: ۱- مرقوم است چه خبر از خورش و دندان، افغان و خانواده شان؟ عبدالحی در کاتادانند  
 ایل و عیال! بر میدرد و لکن تا سفارته با اعصاب ناراحت زیرا با اصطلاح رعایای سابق که مسلمین متعصب این بر عهد  
 از زمانه املاکش را تعصب نموده و جانس هم در خطر بود میلیونها ریال خرج - باج - نمود اما سیمای تلکوت و با اعصاب  
 ناراحت بر بار غمیت روی آورد همسرش با والدین به محیط آشنا شده و لذت میبرد اما وی روضه متفاوتی دارد.  
 از فالد جان طریقی فایم اطلاع ندارم اما بطور کلی از وی نوشته بود "میر و فرزند کرده اند" که طبیعی است. ایشان با  
 شوهرشان به مکه شرف شدند، شوهر بر دی در سیت کار اما تا اندازه ای متعصب مذهبی بود فرزند زکوری پیدا کرد  
 و لکن بطور کلی شیخ بود و ایشین شوهرشان او را کشیدند! بعبارت دیگر مریض شد و از دنیا رفت و دیگر چه دارند  
 ما درم و افغان و مرا استمال قبل به آیدان که محل سکونتشان بود دعوت نمودند و نیز برای ششایان بریم ایران  
 کردند که هنوز بیاد دارم. ۲- مرقوم بود قصد چاپ کردن چهار دفتر سرگذشت خودشان را دارد بسیار بسیار  
 قصد خوبی است چه که یادگار ذیقیمت است که مانند شعرا و نویسندگان دیگر مرقوم میدارید بنده معتقدم چنانچه  
 مطالب را در یک جلد و چهار فصل چاپ کنند بهتر از هم جلدی باشد اغلب دانشمندان مانند توستوی و دیگران  
 سرگذشت خود را در یک جلد نوشته اند. موضوع بیاد دارم آمد که: یادش هر امر نمود سرگذشتش را بنویسند. نویسنده  
 در ۴ جلد قطور مرقوم داشت و نیز یادش آورد اما وی اظهار نمود که آنرا خلاصه کند لذا نویسنده سرگذشت را در  
 ۲ جلد نوشت و عرضه داشت این بار نیز یادش گفت بر اطله ضیق وقت باز هم مختصر تر بنویسد. این جوان چه حد  
 باز نگردد تا اینکه نویسنده نوشت "حاصل عمرم که سخن بیش نیست - خام بدم، بخت مردم، سوختم - بدیه است  
 این موضوع مربوط به سرگذشت آموزنده شایسته اما بنظر من در یک جلد اگر اشتباه نکنم بهتر است. و اما مطلب  
 دیگری را میبینیم و عهدی ای را شرح میدهم که شاید شما هم بخاطر دارید. در همان یکی دیوار بدیوار منزل شما زوجی  
 زندگانی نمودند که سرگذشت غم انگیزی داشتند. شوهر گارگری معتاد به الکل و زن وی بسیار پاکدامن و محرم  
 از آزادی، بدون اولاد و مانند آلتیبت زنان آنزمان از تساوی حقوق رجال و ناهنجاری بود و بجز رقت  
 مجام مأذون به بیرون رفتن از منزل نبود، فوق العاده مظلوم بود و احاس تنهایی میکرد. نمیدانم آیا حدس میزنید  
 آن مظلومه کی بود؟ وی خواهرم تزان خانم همسایه شما. در دیوار سوراخی باندازه. اساتیر x اساتیر  
 باز کرده بودند تا هرگاه خواهر مظلوم احاس تنهایی - loneliness - سرید نمرد با سنگسخت  
 بدیوار میگوید شاید شما یا خاله جان طریقی فایم و یا هر کسی که می شنوید بیاید و چند دقیقه صحبت کنید و  
 با اصطلاح از ریخ تنهایی کمر بجا دهد. گاهی هم بمنزل ما میآمد و لکن بایستی زود برسیت تا نام شب  
 شوهر الکل را که گه گاه روی را بازبان در حالت مستی آزار میداد همیشه نماید. حال شما با آزادی  
 زنان آن زمان مقایسه بغیر نماید خواهر مظلوم چه کرده است اگر صلاح دانند با قلم شیوای خود  
 بدون ذکر نام این سرگذشت را در خاطرات خودشان مرقوم بغیر نماید تا دیگران بدانند تعصب مذهبی  
 و اوضاع اجتماعی در آن زمان چه بوده - البته اگر بطور کلی وضع افس بار و عدم آزادی زنان مرقوم دارند

\* حاجی نورت شوهر خاله جان طریقی فایم  
 مشغول بود این بود که میقتضی و ایشین وی را با خوراندن غذای نامناسب کشند. (الله اعلم با الله اعلم)



و از اختناق افکار، آخوند بازاری و فرافات دیگری بفرمانند بدینست بدین است اگر قرار باشد در  
 ایران چاپ شود موضوع دیگری است. اکنون که وضع توران فانی را نوشتیم نتوانستیم از تأثیر خود داری کنیم  
 هر چه بود گذشت و این نیز بگذرد. **أنت لک یبقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم**  
 قانون طبیعت و عدالت چنان است که خداوند از ظلم احدی نمیگذرد اینست که گفته اند  
**مملکت با کفر و بدین باقی میماند اما با ظلم دوامی ندارد.** دختر فالدی هم نیزم وقت گرانهای  
 شما را گرفتیم اما گفته اند **مکتوب مانند ملاقات است گر چه بنگونند نصف ملاقات** "  
**المکتوب نصف الملاقات** اینست که در همین نوشتن صورت و سیاهی زیبایان در نظر مجسم  
 بود و با شما گویی صحبت میشود **مفردات مفراهم** همین فانی عرض ارادت نمائید و شما و صاحب  
 برنج سلام میرساند لطفاً عرض ارادت **مفردات مفراهم** - جناب برنج - ابلاغ فرمائید

جانان خوش باد - هر موقع فرصت نمودید نامه بر قرم بفرمائید  
 ارادتمند شما

کالت پیرت را گوش کنید مربوط به فصل از کتاب "نویای صادق" است و کلماتی از تاریخ  
 گروه حکمت به اقیان آموشین خطا است اما هر قائل را صادق ندانید چه دیده شده است که  
 بعضی از هموطنان **صادرات** آن مان اند! تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجل

دختر فالدی هم نیزم امروز بختاً موضوعی در خاطر من آمد که بنویسم شاید مصلحت است. اکنون که انگلستان و  
 جهت مهاجرت دوم اختیار نموده اید نمیدانم آیا تقاضای تبعیت نموده اید یا خیر - البته با حفظ تبعیت ایران.  
 تا از فریادی قانونی مهاجرت بهره مند شوید مانند سمری سابق در کان و غیره.

باید دیدار